



اصول و کارکردهای دیپلماسی عمومی

در سیره نبوی

بهرام اخوان کاظمی*

(۱۱-۳۴)

چکیده

رسالت پیامبر ﷺ و نهضت عظیم و تمدن ساز نبوی در عرصه روابط بین‌المللی و دیپلماسی، تحولات ایجابی بنیادین و سیره و سنن بدیعی را از خود بر جای گذاشته و مایه انتشار و گسترش اسلام در بسیاری از کشورها و ملل دور و نزدیک شده است. با وجود این، هنوز جای این پرسش باقی است که دیپلماسی نبوی چه ماهیت و صبغه غالبی دارد و از چه مصادیق و کارکردی برخوردار است؟ (سؤال) بدین لحاظ، این نوشتار بر این مدعا تکیه زده که ماهیت و صبغه اصلی دیپلماسی دولت نبوی بیشتر از نوع دیپلماسی عمومی و نرم افزارانه است که وجوه معنوی، فرهنگی و اصلاحی در آن غالب و پررنگ است. چنین امری بیانگر آن است که در نظام اسلامی، اصلی‌ترین وظیفه و کارکرد دیپلماسی اصلاح توحیدی و فرهنگی مردم و تهذیب آنها در همه سطوح ملی و جهانی است. (فرضیه) هدف در این مقاله آن است که شواهد اجمالی از وجوه دیپلماسی دولت نبوی (هدف) به شیوه توصیفی و تحلیل اسنادی ارائه گردد. (روش) توحیدزیربنای دیپلماسی عمومی

*. استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز - kazemi@shirazu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۷

نبوی بوده است و این دیپلماسی، با نگرشی جهان‌وطنانه و اصلاح‌گرایانه و با هدف تحقق امت‌واحد، از راهبردهای تبلیغی و روانی مناسب و صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز بهره‌گیری کرده و، بدین وسیله، دعوتی فراگیر و جهانی و موفق را سامان داده است. (یافته)

واژگان کلیدی

اسلام، سیره نبوی، دیپلماسی عمومی، سیاست، توحید

مقدمه

پیامبر اکرم ﷺ با نفی اندیشه‌ها، آیین‌ها و ارزش‌های ظالمانه جاهلی و قومی و قبیله‌ای، خونی و نژادی، مالی و طبقاتی، و شرک و بت‌پرستی و با درهم‌شکستن ساختارها و مناسبات مبتنی بر آنها اساس نظامی عادلانه، نو و انقلابی را پی ریخت و نهضتی تمام‌عیار بنا نهاد، که به دگرگونی‌هایی ژرف و بنیادین در ذهنیت‌ها و عینیت‌های حاکم انجامید و حتی در عرصه روابط بین‌المللی و دیپلماسی نیز، این تحولات ایجابی نمود یافت و سیره و سنن تازه‌ای بر جای گذاشت که مایه انتشار و گسترش اسلام در بسیاری از کشورها و ملل دور و نزدیک شد. روابط گسترده‌ای که پیامبر اکرم ﷺ به ویژه از سال ششم هجری، با ملت‌ها و دولت‌های دور و نزدیک به وجود آورد، بیشترین نتیجه‌اش پس از رحلت آن حضرت و در دوران خلفا به ظهور پیوست؛ عقب‌نشینی هرقل از مناطق شام و نیز، متلاشی شدن امپراتوری ایران در زمان خلیفه دوم بازتاب دیپلماسی ویژه‌ای بود که پیامبر اکرم ﷺ در سال‌های آخر عمر گرانقدرشان در گسترش روابط بین‌الملل و بین‌الدول اتخاذ کرده بود. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۳۴-۱۳۵)

۱. تبیین مفاهیم

با توجه به کار بست چند واژه دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و سیره، تبیین و تعریف آنها برای درک مطالب پیش رو، ضروری است:

۱-۱. «دیپلماسی» روشی برای حل و فصل مسائل مربوط به روابط خارجی دولت با گفتگو یا هر روش مسالمت آمیز دیگر است. در تعریفی جامع تر از دیپلماسی می توان گفت: دیپلماسی عبارت است از مجموعه روش ها، فنون، تدابیر، اعمال و وظایفی که دولت ها بیشتر با استفاده از روش های مسالمت آمیز برای دستیابی به حداکثر توافق و تفاهم در میان انبوه اختلاف های صحنه بین المللی و حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار می گیرند. به تعبیر دیگر، دیپلماسی هنر و قابلیت هدایت روابط بین دول است که باید از طرف مجریان سیاست خارجی در عرصه های مختلف بین المللی به منصفه ظهور و فعلیت برسد. (سید آقایی، ۱۳۸۷: ۶-۱۰)

۱-۲. «دیپلماسی عمومی» به نوع ویژه ای از دیپلماسی است که تعامل میان بازیگران غیردولتی را در کنار دولت ها دنبال می کند و به ارتباطات معطوف به منافع یک کشور از راه ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی تعریف می شود. همچنین، دیپلماسی عمومی به نوعی عملیات روانی نفوذ در دیگران برای تقویت نفوذ کشوری در میان کشور دیگر و نه تنها حکومت اطلاق می گردد. (واعظی و موسوی، ۱۳۸۸: ۲۸) بنابراین، دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی، یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. (نیک آیین، ۱۳۸۸: ۳۶۴) این نوع از دیپلماسی، گرچه در گذشته به کار می رفته، در دهه های اخیر به دلیل تحولات جدید، مانند کم رنگ شدن حاکمیت دولت ها، ارتقای روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد بازیگران غیردولتی، و آگاهی روبه فزونی مردم در سطح جهان، رشد فزاینده ای یافته است. (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

۱-۳. یکی از واژه ها و مفاهیم مهم و هم پیوند با موضوع دیپلماسی در آموزه های اسلامی، واژه «سیر» - جمع واژه سیره - است که از ریشه «سیر» یعنی حرکت و به معنای رفتار و کردار و خلق و خوی می باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۶) مفهوم خاص سیره در اصطلاح وقایع نگاران اسلامی به شرح حال دوره زندگی پیامبر اکرم ﷺ اطلاق می شود. کتاب هایی نظیر سیره رسول الله (السیره النبویه)، اثر ابن هشام، به همین معنا

است. گفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ و فرامینی که در زمان صلح و جنگ یا متارکه صادر کرده است - که در مجموع سنت ایشان می‌گردد - به معنای خاص کلمه «سیره پیامبر اکرم ﷺ» نامیده شده است، اما منظور از سیره در معنای عام همه امور مرتبط به زمان جنگ‌های داخلی و خارجی اسلام و نیز ترتیب برقراری صلح و آرامش و سلوک در زمان صلح با همسایگان و مجاوران، اعم از زمان پیامبر اکرم ﷺ و پس از ایشان، را شامل می‌شود. (محقق داماد، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۲)

۲. اصول دیپلماسی عمومی در سیره نبوی

اینک، اهم اصول و مبانی دیپلماسی عمومی پیامبر اکرم ﷺ که از ماهیت رسالت الهی آن خبر می‌دهد را برمی‌شماریم:

۲-۱. توحید زیربنای دیپلماسی عمومی

پیامبر اکرم ﷺ دعوت خویش را از توحید، یعنی اعتقاد به یگانگی خدا، شروع کرد؛ توحید هدف اصلی سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی آن حضرت بود که بازیگران غیردولتی را هم به گستردگی شامل می‌شد. دعوت اولیه آن بزرگوار در دوران دعوت سری و همگانی نیز بر توحید و یگانگی خداوند بنا گشت. آنگاه که سران قریش سیاست تطمیع را در پیش گرفتند و کوشیدند تا به وسیله ابوطالب، عموی پیامبر، مانع از دعوت رسول الله شوند، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من از ایشان چیزی نمی‌خواهم جز اینکه یک کلمه بگویند و بر تمام عرب سیادت کنند و عجم را زیر فرمان خویش آورند و آن کلمه لا اله الا الله است و پس از آن از بت پرستی دست بردارند.» (ابن هشام، ۱۳۴۸، ج ۲: ۲۶۷)

همچنین، در نامه‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ به سران و پادشاهان آن روزگار نوشته است قبل از هر چیزی آنها را به توحید دعوت کرده است، ایشان در اکثر نامه‌های خود به بزرگان و سران مسیحی به این آیه اشاره می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم

و چیزی را با او شریک قرار ندهیم.» (آل عمران: ۶۴) برای نمونه، توحیدخواهی و دعوت مبنایی به توحید در نامه آن حضرت به خسرو پرویز، پادشاه ایران، آمده است: «به نام خداوند بخشنده مهربان. [نامه‌ای است] از محمد فرستاده خدا به کسرای بزرگ ملت فارس [ایران]. سلام بر کسی که از راه هدایت پیروی می نماید و به خدا و پیامبرش ایمان بیاورد و گواهی دهد به لا اله الا الله و اینکه خداوند شریکی ندارد و محمد پیامبر و بنده خداست. من تو را به پذیرش و پیاده کردن اسلام دعوت می کنم، چراکه من پیامبر خدا برای تمام بشر هستم.» (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)

۲-۲. نگرش جهان‌وطنانه با هدف تحقق امت واحد

از دیدگاه قرآن، انسان‌ها در آفرینش از یک گوهرند و وحدت دارند، که همه از حضرت آدم به وجود آمده‌اند، اما به دلایلی این وحدت فروپاشیده است، از جمله: امتحان بشر برای ظهور استعدادها و ظرفیت‌های آدمی و عدم موفقیت در این ابتلای الهی و نیز ظلم، حسد، نزاع دنیاطلبانه، فرقه‌گرایی، تفرقه‌افکنی‌های دشمنان و بدخواهان، و سوسه‌ها و القائات شیطانی، مسخره کردن متقابل افراد و گروه‌ها، دادن لقب‌های زشت به یکدیگر، سوءظن به یکدیگر و غیبت.

قرآن کریم برای تحقق دوباره امت واحد راهکارهایی مانند ایجاد اخوت، مودت، اُلفت و رأفت بین مسلمانان، رحمت، عفو، فضل، صفح، اصلاح، و تعارف (شناخت) مسلمانان از همدیگر، احترام به دیگر ادیان و پیامبران الهی و رد انحصارطلبی گروهی خاص درباره خداوند (بقره: ۲۳۷؛ نور: ۲۲؛ حجرات: ۹؛ انفال: ۱) را پیشنهاد می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ نیز عهده‌دار این رسالت بود که همگان را به چنین دین جهان‌شمولی فراخواند و آنها را در امت واحدی گرد آورد و هدف رسالت و سیاست خارجی ایشان هم سرعت بخشیدن به سیر حرکت تکاملی جامعه بشری برای رسیدن به این مرحله آرمانی و مطلوب نهایی بوده است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه سیاست خارجی جهان‌شمول و جهان‌وطنانه نبوی را گسترش ایمان و تقوا و التزام به تعهدات انسانی و گسترش عدالت و نفی همه نظام‌های

سلطه و استثمار در پهنه گیتی و گستره بشر دانست و بدیهی است برای دستیابی به چنین هدفی، نوعی دیپلماسی چندجانبه و گسترده لازم است تا با استفاده از همه ابزارهای معنوی و فرهنگی عموم انسان‌ها را مورد خطاب و تأثیر قرار دهد.

با نگاهی گذرا به سیره سیاسی پیامبر اکرم ﷺ نیز به خوبی مشخص می‌شود که بی‌گمان ملت‌سازی در فلسفه سیاسی ایشان بسیار عمیق‌تر از مفهوم ملت در اندیشه سیاسی جدید است. به همین دلیل، تعبیر «امت» اساس تکوین نظام اسلامی در مدینه است. به عکس دوره مکی، برنامه‌ها، شیوه عمل، سیره و روش‌های تبلیغی و اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ و نیز قواعد و احکام نازل شده در قالب سوره‌های مدنی، آشکارا از هدف وی در تأسیس نظامی اجتماعی در عصر مدنی حکایت دارد. ریشه و بنیاد این نظام همان اصل محوری توحید است و محتوای نظام را قوانین و احکام دین یا شریعت اسلامی شکل می‌دهد و غایت تکاپو و کنش آن حرکت به سوی کمال انسانی برای وصول به مطلوب در عصر رستاخیز است. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۱۹)

به همین بیان، خطاب‌های قرآن در دو مرحله دوران مکه و عصر مدینه کاملاً متمایز و متفاوت است. خطاب‌های دوران مدینه، به این دلیل که ناظر به تأسیس دولت اسلامی است، به صورت «یا ایها الذین آمنوا» و امثال آن آمده است. این خطاب‌ها به جماعت‌های خاص مؤمنان است؛ دولت در این آرمان بر اساس امت، تأسیس می‌شود؛ بر مبنای هویت جدید، عصبیت مبتنی بر خون و نسب به عصبیت مبتنی بر عقیده و ایمان، تغییر یافت و الگوی حیات قبیله دگرگون شد. از این پس، امت اسلامی تنها جماعتی دینی نیست، بلکه جماعتی سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شود.

در نتیجه، هویت در مدینه‌النبی و، به عبارت دیگر، مبنای دولت اسلامی اعتقادی است، نه اقلیمی و یا قومی. پس، مهم‌ترین هدف حکومت، دفاع از عقیده اسلامی و حفظ آن بوده است. در این نظام فراملی و فرادولتی، مجموعه‌ای از افراد در درون جامعه اسلامی وجود داشتند که همگی با اعتقاد به دین اسلام از اعضای امت اسلامی بوده‌اند و جامعه منسجمی را تشکیل می‌دادند. تشکیلات داخلی امت اسلامی نیز بر اساس ایمان

دینی مشترک استوار بود. بافت جامعه، نخست، از راه پذیرش و اطاعت شریعت و، سپس، به سبب هرّم قدرت مذهبی، معین می گردید. در رأس این جامعه، پیامبر اکرم ﷺ به عنوان رئیس دولت و رهبر سیاسی و دینی مدینه بود. پس از این، مهاجران و انصار و تازه مسلمانان دیگری که با هویت های متفاوتی به مدینه النبی می آمدند بر سازه های هویتی مشترکی قرار داشتند که پیامبر اکرم ﷺ تحت عنوان امت اسلامی از آن یاد می کرد. (زهیری، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۵) بنابراین، در چنین شرایطی دیپلماسی پیامبر از نوع دیپلماسی عمومی بود.

۲-۳. دعوت فراگیر و جهانی

از اهداف مهم و اصلی ارسال رسل و جوهره سیاست خارجی آن، فراخوانی همگانی است. این دعوت همگانی از مهم ترین مصادیق دیپلماسی عمومی پیامبر اکرم ﷺ است. دعوت عبارت است از «درخواست پذیرش اسلام از غیر مسلمانان به دست مسلمانان». برای این اساس، نخستین وظیفه پیامبر اکرم و رهبران دینی، همانا دعوت بشر به تعالیم و ارزش های و حیانی بوده است. ضمن آنکه لازمه جهان گرایی و نگرش جهان و طنانه اسلام، بر خورداری از دعوت همیشگی و فراگیر جهانیان به اسلام است. بسیاری از نصوص قرآنی - با صیغه امر - پیامبر ﷺ را موظف به امر دعوت کرده است، برای نمونه: الف - با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه منحرف شده دانا و [نیز] به [حال] راه یافتگان دانا است. (نحل: ۱۲۵) ب - پس، مردم را به اسلام دعوت کن و استقامت کن، آنچنان که با آن مأمور شده ای، و از هوس های مردم پیروی نکن. (شوری: ۱۵)

سه شیوه بر جسته حکمت، موعظه و جدال نیکو، خطّ مشی دعوت نبوی و نوع دیپلماسی عمومی و گفتمانی و استدلالی ایشان را شکل می دهد. ثمره کاربرد این شیوه ها؛ اقناع خردمندان، برانگیختن غافلان و سرکوب معاندان است. بر همین مبنا، این آیات و نیز

آیه ۶۴ سوره آل عمران به خوبی بیانگر آن است که پیامبر اکرم ﷺ در روابط خارجی خویش با غیر مسلمانان، پیش از هر امری، موظف به دعوت آنان به خدای واحد است. در سیره پیامبر اکرم ﷺ نیز اصل توحید بیش از هر امر دیگری مورد تأکید قرار گرفته است و حضرت پیش از انجام وظیفه دعوت، در هیچ موردی، دستور جهاد صادر نکرده است و نمونه‌هایی متعدد از سیره ایشان، از جمله صلح حدیبیه، ارسال پیام و سفیر به دربار پادشاهان و سران غیر مسلمان جهان، بیانگر همین نکته است. (الزحیلی، ۱۹۹۲: ۳۲۰) کثرت این نامه‌ها واقعاً اعجاب برانگیز است تا جایی که کتب با عنوان مکاتیب الرسول، بیش از ۳۱۶ نامه از پیامبر اکرم ﷺ را تشریح کرده‌اند. افزون بر اینکه، مع‌الأسف، برخی دیگر از دعوت‌نامه‌های مقام رسالت به پادشاهان و سران منطقه و جهان عصر بعثت، ضبط نشده است. بنابراین، سیاست خارجی پیامبر اکرم ﷺ حاکی از آن است که ایشان در آن عصر، به اکثر ملل عالم و سران آن نامه نوشت و قاصد و سفیر فرستاد و آنها را پیش از هر اقدام دیگر، به کرات، به اسلام و توحید دعوت کرد.

البته، اصل دعوت در دیپلماسی پیامبر اکرم ﷺ تابع مقتضیات زمانی و مکانی بود. برای نمونه، حضرت به مدت سه سال رسالت خود را با دعوت پنهانی ابراز کرد و پس از آن، خویشاوندان را به اسلام دعوت کرد و بعد از سه سال از آغاز بعثت، دعوت خویش را آشکار ساخت و، در مراحل بعدی نیز، همواره دعوت را بر جنگ مقدم می‌ساخت. از امام علیؑ نقل شده که فرمودند: «پیامبر مرا به یمن فرستاد و فرمود: یا علی! با هیچ کس جنگ مکن، مگر اینکه اول او را به اسلام دعوت کرده باشید.» (منتظری، ۱۴۰۲، ج ۲: ۷۱۱) بنابراین، انعطاف و ملایمت ویژگی دیگر دعوت پیامبر اکرم بود که سبب افزایش و رسوخ بیشتر دعوت الهی ایشان شد؛ قرآن مجید در آیه ۲۵۹ سوره آل عمران این نحوه رفتار رأفت‌آمیز پیامبر اکرم را، رحمتی الهی به‌شمار می‌آورد.

از سوی دیگر، راهبرد دعوت پیامبر اکرم ﷺ، تأکید بر مشترکات بود، همان‌طور که در نامه ایشان به نجاشی، بر نبوت حضرت عیسیؑ و پاکدامنی حضرت مریمؑ به‌عنوان قدر مشترک با مسیحیان حبشه تأکید می‌ورزد (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۲۱) و یاد در نامه به اسقف

روم در قسطنطنیه، به عنوان قدر مشترک، بر حقانیت حضرت عیسی علیه السلام و دیگر پیامبران پیشین توجه دارد. (میانجی، ۱۳۶۳: ۱۶۹).

در اهمیت دعوت و جایگاه محوری آن در دیپلماسی نبوی، باید اضافه کرد که در تفکر اسلامی و از دیدگاه بیشتر مفسران شیعی و سنی، اصل جهاد برای کشورگشایی، قتل و نابودی نفوس نبوده، ماهیتی اصلاحی و دعوت گرایانه دارد. به عبارتی، جهاد خود به یکی از مراحل دعوت تبدیل می شود، به تعبیر مفسران، حالت دفاعی به خود می گیرد، همان طور که در سیره سیاسی دولت نبوی چنین بود. بنابراین، جهاد خود دعوت به سوی خدا و سبب اعتلای «کلمة الله» و امحای باطل و ریشه کنی مفسده و ناامنی است و به دنبال احیای فطرت انسان ها و هدایت آنها می باشد. همچنین، لزوم دعوت قبل از جهاد و مشروع نبودن جهادی که به دعوت نپرداخته، از امور مورد اتفاق میان فقها و مفسران است. (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۷۴)

۲-۴. صلح طلبی و مطالبه همزیستی مسالمت آمیز

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام، دو واژه «سلام» و «صلح» از اهمیتی ویژه برخوردارند و بی دلیل نیست که اسلام در روابط بین الملل و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در رسالت و سیاست خویش صلح خواهی و همزیستی مسالمت آمیز را یکی از اصول مهم حاکم بین پیروان خود و مناسبات آنها با دیگر ملت ها و عموم ابنای بشری مطرح کرده است، زیرا مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هموعانش حالت همزیستی و مسالمت است.

از دیدگاه اسلامی، جنگ و ستیز حالت عارضی و موقت و نه طبیعی و دائم دارد. آیات متعدد قرآنی این مطلب را تأیید می کند. (بقره: ۲۰۸ و ۲۵۶؛ انفال: ۶۱؛ یونس: ۹۹؛ کهف: ۲۹؛ زمر: ۱۴-۱۵) از این آیات استنباط می شود که اولاً، ایجاد عقیده در نهاد آدمی هرگز با تحمیل و زور سازگار نیست و ثانیاً، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تحقق رسالت و سیاست خویش با خشونت و ناسازگاری بیگانه است و مبنای دعوت و سیاست عام وی بر تفاهم و مسالمت و ملایمت استوار است و، در واقع، جنگ و خصومت ورزی - بر مبنای تخاصم

دشمنان و استمرار عناد آنها - بر رفتار سیاسی دولت نبوی عارض می‌گشته است؛ شاهد این سخن آیه ۱۲۵ سوره نحل است که پیامبر اکرم ﷺ را به موعظه نیکو و بهترین گفتمان با مخالفان سفارش می‌کند.

همچنین، از بررسی و تأمل در همه آیات مربوط به جنگ و صلح قرآن به دست می‌آید که اصل اولی در رفتار دولت اسلامی با دولت‌ها و گروه‌های غیرمسلمان، پس از دعوت آنان به اسلام و نپذیرفتن آن از سوی ایشان، صلحی عزتمند است؛ از دید آیات مزبور، جنگ امری استثنایی و خلاف اصل است و مادامی که اسباب و عوامل جنگ عارض نشده، صلح و همزیستی برقرار است و جنگ تنها با کافران حربی تجویز شده است و هیچ‌یک از آیات بر این سخن، دلالت ندارند که غیر از آنان از کافرانی که قصد تجاوز و عداوت ندارند، تنها به جرم عدم پذیرش اسلام، مورد حمله قرار گیرند و بر مسلمانان واجب باشد با آنان وارد جنگ شده، با راه‌های گوناگون آنان را نابود کنند. بنابراین، صرف نپذیرفتن اسلام و تسلیم نشدن در برابر دولت اسلامی دلیل بر جنگ با کافران نیست. به علاوه، بر اساس آیات صلح، اسلام دین صلح و همزیستی با همه گروه‌های غیرمسلمان است؛ اسلام با صلح مخالف نیست؛ صلحی که از آن نهی شده صلحی است که مسلمانان از روی سستی خواهان آن باشند، چراکه دلیل بر ضعف آنان است. اسلام هیچ‌گاه به پیروان خود قتل و کشتار غیرمسلمانان را تنها به دلیل کفرشان اجازه نمی‌دهد و وجود عقاید مخالف را تا جایی که در حد عقیده باقی بماند مجوزی برای رفتار خصمانه نمی‌داند. (سلطانی، ۱۳۸۸: ۶۹-۹۴)

علاوه بر آیات متعدد قرآن، عملکرد پیامبر اکرم ﷺ نیز بر همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید دارد. پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه در حدود شش سال درگیر جنگ با دشمنان اسلام بود، اما به محض اینکه دولت خویش و دارالاسلام را نسبتاً ایمن یافت، راهبرد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را دنبال کرد که نمود عینی آن پیمان صلح حدیبیه در سال ششم هجری بود. به لحاظ تاریخی نیز، آن حضرت ﷺ در حل و فصل اختلافات از شیوه‌هایی چون مذاکره و بحث آزاد، حکمیت و داوری، سازش و وساطت استفاده کرد.

شواهد تاریخی بسیاری در تاریخ اسلام از قبیل منشور مدینه در آغاز هجرت، ورود پیامبر به مدینه و انعقاد پیمان دفاعی یا بی طرفی با قبایل مختلف و انعقاد صلح حدیبیه و مذاکره با هیئت مذهبی مسیحیان نجران، مؤید این مطلب است.

۲-۵. سفارت و نمایندگی و اعزام مبلغان

روابط بین مسلمانان با غیر مسلمانان بر صلح استوار است و حالت خصمانه، یک استثنا می باشد. به همین دلیل، پیامبر اکرم ﷺ نیز از سفارت و نمایندگی در ابلاغ دعوت عام خود، بهره های وافر گرفته است. بنابر این، تأسیس نمایندگی و برقراری روابط سیاسی امری مبتنی بر منابع و سنت اسلامی است. آنچه که این موضوع را در بحث دیپلماسی عمومی پیامبر، متمایز می کند آن است که فرستادگان و نمایندگان ایشان تنها به دولت ها گسیل نمی شدند، بلکه پیام رسول الله ﷺ را به بسیاری از بازیگران غیر دولتی مانند سران و بزرگان ادیان، رؤسای اقوام و قبایل، و حتی شخصیت های برجسته و بارز انتقال می دادند.

سفیر (نماینده)، در لغت، به معنای مصلح میان قوم است، همان گونه که مصدرهای سَفَر، سفارت و سفارت به معنای «اصلاح کردن» است. سفیر، در اصطلاح، کسی است که موظف بود به هنگام جنگ میان قبایل پیام رسان صلح باشد. نیز قبایل برای فخر و روشی بر یکدیگر از همین فرد بهره می بردند. (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۵۱) پس از ظهور اسلام و دوران قبل و بعد از هجرت، طبیعی بود که پیامبر ﷺ به اعزام مبلغ و تبادل نمایندگانی با قبایل عرب بپردازد. (طبری، ۱۹۶۰: ۶۴۴؛ ابن هشام، ۱۳۴۸، ج ۲: ۶۰۷؛ داداش زاده، ۱۳۸۵: ۳۸۵-۴۲۱)

مستنداتی در قرآن کریم وجود دارد که می تواند مؤید موضوع فرستادن سفیر و نماینده از سوی نظام اسلامی به دیگر بلاد و کشورها باشد. از جمله به نظر می رسد که آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) می تواند در این زمینه استفاده شود. در این آیه شریفه، نکات مهمی وجود دارد از جمله:

۱. این آیه همه افراد بشر نه فقط مسلمانان را بدون توجه به عقیده و آیینی که دارند مخاطب قرار داده است؛

۲. خطاب آیه، جمعی است، یعنی حکم به رابطه، متوجه ملت‌ها و شعوب و قبایل است، نه افراد؛

۳. هدف از ایجاد رابطه، شناسایی یکدیگر است؛

۴. معیار برتری و تمدن، تقوا و معنویت است.

بنابراین، در اسلام، ارتباط و وفاق، اصلی پسندیده و نیز روابط دیپلماتیک و شناسایی دیگر ملل و اقوام بشری، یک ضرورت است. از این رهگذر است که دولت اسلامی و ملل آن در صحنه جهانی حضور جدی‌تری می‌یابند. ارتباطات نیازمند ابزارهای خاص خود است که در رأس آن، ایجاد سفارتخانه و اعزام نمایندگان سیاسی جای می‌گیرد. (میرمحمدی، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۱)

از مسائل چشمگیر در دیپلماسی عمومی یا سلوک بین‌المللی عصر پیامبر اکرم ﷺ آن است که آن حضرت و صحابه، در مراسم پذیرش فرستادگان، لباس‌های خوب - و نه ساده - بر تن کرده، آنان را در مسجد مدینه - جایی که ستون هیئت‌های نمایندگی (اسطوانة الوفود) می‌نامیدند و هنوز هم آن یادگار، باقی است - به حضور می‌پذیرفتند. تاریخ‌نویسان نقل می‌کنند که پیامبر اکرم ﷺ در مدینه برای پذیرایی از سفرا «دارالضيافة» (میهمان‌سرا) ترتیب داده بود تا میهمانان بیگانه یا کسانی که قصد تشرّف به اسلام داشتند در آن وارد شوند. هر چند مورّخان خانه‌ای که رسول الله ﷺ برای فرستادگان و میهمانان بیگانه ترتیب داده بود وصف کرده‌اند، آنچه شایان توجه است در نظر گرفتن مکانی خاص برای پذیرایی و ضیافت بیگانگان و فرستادگان است که در آن افرادی برای ضیافت و پذیرایی مأموریت داشتند. برای نمونه، بلال - مؤذن پیامبر اکرم ﷺ - مأمور تغذیه و طعام فرستادگان سیاسی بود؛ حضرت، بنا بر عادت خویش به آنان هدایایی ارزانی می‌داشت و در مقام توصیه به اصحاب خود می‌فرمود: «پس از من نیز همین گونه رفتار کنید.» (حمیدالله، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۶۹) ضمن اینکه هدایایی نیز از سوی

فرستادگان دول خارجی به پیامبر اکرم ﷺ ارزانی می‌شد، هر چند که ایشان اگر عواقب سوئی در پذیرش این هدایا پیش‌بینی می‌کرد از قبول آنها خودداری می‌فرمود: (حمیدالله، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۱)

در منابع اسلامی و روایی، برای سفیری که مُبلِّغ و داعی نظام اسلامی می‌باشد صفات متعددی بیان شده است: سفیر، از لحاظ صفات ظاهری و صورتی، باید فردی بالغ، و واجد قدرت بیان و زبانی گشاده و صورتی نیکو و صاحب شرافت نسب باشد و، از لحاظ صفات باطنی، باید دارای صفاتی عقلایی، اخلاقی، ایمانی و اکتسابی باشد، صفاتی مانند: ایمان به مکتب، تقوا، خشیت، پاکدامنی و عفت، عقل و خرد، سیاست و تدبیر، تیزهوشی و ادراک، بلاغت و فصاحت، شجاعت و صلابت، سعه صدر، اهمیت دادن به رسالت دینی، عزت و اقتدار، اخلاص، طمأنینه و آرامش، نرمی، وفا و امانت‌داری، رازداری، تواضع و دوری از تکلف، صداقت، تجربه و آموزش کافی، و مشورت‌جو باشد. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۹: ۳۴۴-۳۵۰)

همچنین، سیره پیامبر اکرم ﷺ حاکی از احترام زیاد به سفیران و مصونیت آنها بوده است، همچنان که ایشان فرموده است:

– فرستادگان و گروگان‌ها کشته نمی‌شوند. (حرعاملی، ۱۳۹۸، ج ۱۱: ۹۰)

– سنت برای این جاری است که رسولان و پیام‌آوران را نباید کشت. (بیهقی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۲۱۲)

– به درستی که من پیمان را نقض نمی‌کنم و سفیر و پیام‌رسان را محبوس نمی‌کنم.

(ابوداود، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۱۰)

همچنین پیامبر اکرم ﷺ به فرستادگان مسیلمه کذاب فرمودند: «اگر سفیر نبودید، می‌گفتم سرتان را از تن جدا کنند.» (سرخسی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۱۹۹ و ج ۴: ۶۶؛ ابوداود، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۱۰) این بیان به معنای نفی هرگونه تعرض آموزه‌های اسلامی به مصونیت سفیران و حاکی از احترام کامل پیامبر اکرم ﷺ به مصلحت‌نمایدگی و سفارت است. ضمن اینکه دو سفیر مسیلمه پیش‌تر مسلمان بودند و باید به سبب ترک مذهب اسلام، حکم ارتداد بر آنها بار می‌شد، اما پیامبر اکرم ﷺ به دلیل ایفای نقش آنان به عنوان فرستاده سیاسی،

از اجرای حکم اعدام آنان خودداری ورزید و آنان را در بازگشت به موطن خویش، آزاد گذاشت.

یکی دیگر از این مصونیت‌ها این بود که فرستادگان برای نیایش و برپایی مراسم مذهبی از آزادی کامل برخوردار بودند. پیامبر اکرم ﷺ به هیئت نمایندگی مسیحیان نجران اجازه داد که حتی در مسجدالنبی آیین مذهبی خود را برپا دارند و مورخان اسلامی این موضوع را حادثه‌ای عجیب ذکر کرده‌اند این مسیحیان صورت خود را به سوی شرق برگردانده، و به رسم خویش، نیایش بجا آورده‌اند. (ابن هشام، بی تا: ۴۰۲؛ کاتب واقدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۵)

۶-۲. مذاکره (التفاوض)

معمول‌ترین، آسان‌ترین و قدیمی‌ترین راه برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی «مذاکرات سیاسی» است. مذاکره همیشه از گفتگوهای مستقیم و دوستانه طرفین اختلاف برای نیل به یک تفاهم و سازش مستقیم شروع می‌شود و چه بسا به انعقاد موافقتنامه بین‌المللی نیز منتهی گردد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۷: ۲۷۹) در میان روش‌های دیپلماسی عمومی پیامبر اعظم ﷺ، مذاکره یا «تفاوض» با نمایندگان مخالفان، دولت‌ها، قبایل و گروه‌های مذهبی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، زیرا این شیوه بهترین راه برای اطلاع از نظرهای دیگران و نشان‌دهنده احترام به عقیده و فکر مخالفان است. نخستین تجربه پیامبر اکرم ﷺ درباره کاربست این روش در سال‌های اولیه بعثت و در دعوت علنی از قریش اتفاق افتاد؛ یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های سیاسی پیامبر اکرم ﷺ مذاکرات وی با نمایندگان یثرب بود که در دو مرحله صورت گرفت: نخست در عقبه اولی که پیامبر ﷺ در آن با هیئتی دوازده نفره ملاقات داشت و در مرحله دوم که پیامبر اکرم ﷺ با هیئتی ۷۵ نفره ملاقات و مذاکره کرد. نتایج پربار این مذاکرات زمینه پیشرفت اسلام و هجرت بزرگ و موفقیت‌آمیز پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان را به مدینه فراهم آورد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۲۱-۳۲۲) از سوی دیگر، انعقاد پیمان بسیار با اهمیت

حدیبیه در سال ششم هجرت، پس از مذاکرات طولانی نمایندگان پیامبر اکرم ﷺ با نمایندگان مشرکان محقق گردید که دو سال بعد به فتح مکه انجامید. پس از فروکش کردن خطر قریش، باب مذاکره رسول الله ﷺ با علما و مبلغان دیگر ادیان، سفرای قبایل و دولت‌ها و پادشاهان در سال نهم هجری به شدت باز شد. در این برهه نمایندگان بسیاری از قبایل و کشورها برای مذاکرات مستقیم با مسلمانان راهی مکه شدند، بدین سبب، مورخان این سال را به دلیل کثرت حضور اعراب و این گروه‌های مذاکره‌کننده «عام الوفود» نامیدند، تا جایی که از ۷۳ هیئت نمایندگی که برای مذاکره با پیامبر اکرم ﷺ

به مدینه اعزام شده بودند به تفکیک نام می‌برد. (کاتب واقدی، ۱۳۷۴: ۲۵۰)

پیامبر اکرم ﷺ در ایام برگزاری مراسم حج با قبایل گوناگون به گفتگو می‌نشست و گاه نیز، برای ایجاد این ارتباط به خارج از مکه می‌رفت، همان‌گونه که در سفر طائف چنین کرد. مذاکرات رسول الله ﷺ با نمایندگان طائف (ثقیف)، و گفتگو با سفرای ملوک حمیر از دیگر مصادیق استفاده از ابزار مذاکره به دست ایشان است که با رعایت آداب خویش و با استفاده از براهین و احتجاجات عقلی و دلیل‌های نقلی و بر مبنای مجادله به نحو احسن انجام می‌گرفت. محورهای این مذاکرات عبارت بود از: تحقیق در زمینه دعوت پیامبر اکرم ﷺ، عقد قراردادهای دوجانبه، حل مشکلات اقتصادی، اعطای مسئولیت‌های سیاسی و اداری، حل و فصل موانع و تنش‌زدایی از روابط موجود، تعهد به عدم تعرض و عدم شرکت در اقدامات خصمانه ضد مسلمانان و نظام اسلامی (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۲۰).

۱. قرآن درباره روش‌های تبلیغی و ارشاد آن حضرت در آیه ۱۲۵ سوره نحل با سفارش به مجادله احسن و مذاکره بر مبنای حکمت و مواعظ نیکو می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ براساس این آیه خداوند متعال برنامه تبلیغی پیامبر ﷺ را در سه روش مشخص و به وسیله امین وحی به حضرتش ابلاغ کرده است:

- دعوت مردم به آیین الهی از راه بیانات حکیمانه و به وسیله سخنان عقل‌مدارانه و علمی؛
 - دعوت از راه مواعظ حسنه و اندرزهای نیکو؛
 - دعوت به وسیله بحث و جدل، اما جدلی که با بهترین صورت تحقق پذیرد و منزّه از مراء و خصومت باشد.
- (گلستانی، ۱۳۸۶: ۵۷-۸۴)

اخلاق حسنه و حُسن اخلاق پیامبر اعظم ﷺ نقش کلیدی در تربیت جامعه اسلامی و تبلیغ و ترویج دین و گسترش اسلام داشت و این حُسن خلق الهی، خواه‌ناخواه، در مناظرات و مذاکرات ایشان نمود و تأثیر فراوان داشت، زیرا پیامبر خاتم ﷺ رسالتش را تتمیم مکارم اخلاقی اعلام کرد و، از این رو، فعل و انفعال‌های ایشان در همه جوانب و شئون فردی و اجتماعی بوی اخلاق می‌داد یا اخلاق و ارزش‌های اخلاقی بر آن حاکم بود و ده‌ها صفت نیک اخلاقی در سیره سیاسی - اجتماعی آن حضرت موج می‌زد، مانند رأفت و مهربانی و شفقت و دلسوزی برای مردم، درد و غم هدایت جامعه داشتن و اهتمام به حل مشکلات آحاد جامعه و گره‌گشایی از مشکلات انسان‌ها، احسان به خلق و اکرام مرد و زن، پیر و جوان، فقیر و غنی و رئیس و رعیت و مسئولیت‌پذیری و پیش‌آهنگی جامعه در مسائل مختلف، حضور دائمی در متن مردم و هم‌زبانی و هم‌دلی با آنان، عدالت‌ورزی، مراعات حقوق همه اقشار جامعه، کاریست‌کاردانی و دانایی در مدیریت‌های اجتماعی، صداقت و صفا، تواضع و فروتنی، شرح صدر و شکیبایی، علم و حلم در تدبیر امور اجتماع، مدارا و رفق با مردم، دعوت مردم به توحید بر محور حکمت و عبودیت، تکریم شخصیت انسان‌ها، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات و شنیدن انتقادهای مهم و ارائه پاسخ‌های منطقی و بردبارانه، پرورش روح عزت‌گرایی در مردم، شهامت و شجاعت اخلاقی (درودگر، ۱۳۸۵: ۱۴۶) بدین سبب، استاد شهید مطهری در بحث از علل پیشرفت اسلام، پس از ذکر نقش عاملیت قرآن از حیث محتوا، فصاحت و بلاغت، جامعیت و کمال، به عامل خُلق و خوی، رفتار و طرز دعوت و تبلیغ، و نوع رهبری و مدیریت و شخصیت پیغمبر اکرم ﷺ اشاره می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۷۳)

۲-۷. میانجی‌گری و تألیف قلوب

در عرف بین‌الملل و دیپلماتیک، میانجی‌گری اقدامی دوستانه از سوی کشوری ثالث برای ایجاد تفاهم و توافق بین دو کشور در حال اختلاف است.

دعوت به صلح و آشتی در آیات الهی موج می‌زند و در سیره پیامبر اکرم ﷺ نیز میانجی‌گری به وفور دیده می‌شود، از جمله ایشان با میانجی‌گری میان قبایل اوس و خزرج زمینه تفاهم و آشتی آنها را فراهم ساخت، و با دستور به عقد اخوت میان مسلمانان، بقایای کینه‌ها و اختلافات باقیمانده جامعه جاهلی در بین امت خویش را زدود. (سبحانی، ۱۳۷۶: ۴۵۸) یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی نبوی، به ویژه از بُعد اقتصادی آن، سیاست تألیف قلوب است. «تألیف» از واژه ألفت به معنای ارتباط و پیوند یافتن و جوش خوردن گرفته شده و در قرآن نیز به همین معنا استعمال گشته است.^۱ تألیف قلوب از نظر فقهی عبارت است از: «حمایت اقتصادی مسلمین یا کفار توسط پیامبر اکرم ﷺ، امام یا ولی امر مسلمین به منظور جلب آنان برای جهاد و یا گرایش به اسلام و دفاع از آن» (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۸۷) اسلام برای این امر بودجه خاصی را اختصاص داده که قسمتی از زکات است، که به عنوان مالیات اسلامی از مردم مسلمان گرفته می‌شود. کسانی که مورد کمک و حمایت قرار می‌گیرند «مؤلفه قلوبهم» یا «مؤلفه القلوب» نامیده می‌شوند که بنا به آیه ۶۰ سوره توبه، «و صدقات، تنها به تهیدستان و بی‌نویان و متصدیان آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در (راه آزادی) بردگان، و وامداران و در راه مانده اختصاص دارد. (ابن) به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.» یکی از موارد و مصارف هشت گانه زکات به این دسته تعلق می‌گیرد تا دل‌های آنان به سوی اسلام جذب و متمایل گردد.

پیامبر اکرم ﷺ برای جذب افراد و تألیف قلوب آنان، علاوه بر زکات، از منابع مالی دیگری هم که از غنایم جنگی به دست می‌آمد استفاده می‌کرد و با مهربانی و شفقت و با کاربرد ابزار مالی، دشمنی و عناد بسیاری از دشمنان را به اعتماد و مودت تبدیل کرد. از جمله کسانی که سوی پیامبر اعظم ﷺ تألیف قلوب شدند «صفوان بن امیه» و «ابوسفیان» اشاره کرد. هر چند ابوسفیان پاسخ این اقدام الهی را با ناسپاسی و

۱. «آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس، میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.» (آل عمران:

برنامه‌ریزی‌های بعدی برای ضربه به اسلام داد، ولی صفوان بن امیه در جنگ حنین به همراه مسلمین جنگید و از غنائم نیز سهم برد. (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۸۹)

همه فقهای شیعه بر این سخن اتفاق نظر دارند که حکم «تألیف قلوب» هنوز هم مصداق دارد و باید اجرا شود و بر این نظرند که پس از رحلت رسول اکرم ﷺ هم این حکم عملی است، اما بعضی از فقهای اهل تسنن بر این باورند که حکم یادشده پس از رسول اکرم ﷺ لغو شده و اجراشدنی نیست. (احمدی و صالحی، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۹)

۸-۲. آزادسازی بندگان (فک رقبه)

واژه «فک» به معنای آزاد کردن، جدا کردن دو چیز از هم، گشودن و... و واژه «رقبه» جمع «رقاب» به معنای بندگان و غلامان و... آمده است. از این رو، فک رقبه، دربردارنده معنای آزاد کردن بندگان و غلامان است. چنین امر و تکلیفی با صراحت از مسلمین در آیه سیزده سوره بلد: «و تو چه دانی که آن گردنه (سخت) چیست؟ بنده‌ای را آزاد کردن یا در روز گرسنگی، طعام دادن به یتیمی خویشاوند یا به بینوایی خاک‌نشین» خواسته شده است. بنابراین، یکی از اهداف دیپلماسی اسلامی و نبوی، تلاش برای رهانیدن آحاد بشر از هرگونه بردگی، بندگی و اسارت مادی و نفسانی با دعوت به اسلام و ورود به حیات طیبه الهی بوده است.

اسلام به مسلمان صدر اسلام دستور داد که اسیران را در زمان جنگ و قبل از اتمام آن به هیچ وجه آزاد نکنند و بعد از پایان جنگ، آنان را مختار کرد که اسرار را یا بدون اخذ و دریافت چیزی تحت منت خویش گذارند و آزاد نمایند یا از آنان غرامت جنگی (فدیه) بگیرند و، سپس، آزادشان کنند، چنان که در صدر اسلام پیامبر اکرم ﷺ این گونه عمل می فرمود: گاهی فدیة و غرامت جنگی این بود که یک اسیر جنگی با سواد، ده نفر مسلمان بی سواد را خواندن و نوشتن بیاموزد و گاهی اسرای جنگی دشمن با افراد مسلمانی که به عنوان اسیر جنگی در اسارت دشمن بودند مبادله می شدند.

اگر قبیله و قوم آن اسرا، غرامت جنگی پرداخت نکرده و آنها را با اسرای مسلمان مبادله نمی کردند، امام مسلمین می توانست این اسرا را با نیت تربیت پذیری اسلامی، در میان جامعه اسلامی نگاه دارد و در بین خانواده جنگجویان و مجاهدان تقسیم کند. این افراد در مدتی که در کشور اسلامی و در میان خانواده های مؤمنان اقامت می کردند، معمولاً تربیت و اصلاح می شدند. آنگاه، آنان را برای جلب رضایت خدا آزاد می کردند که این عمل اصطلاحاً «عتق» (آزادسازی) نامیده می شد، یا با او قرارداد می بستند که از حاصل کار خود هر روز یا هر ماه مقداری بپردازد تا پس از پرداخت مبلغ تعیین شده، آزاد شود. این عمل «مکاتبه» (قرارداد) نام داشت. اگر اسیر جنگی زن بود و از راه تزویج با مرد مسلمانی صاحب فرزند می شد، او نیز از این راه آزاد می گشت که در اصطلاح فقهی این عمل را «استیلا» و کنیز آزاد شده را «امّ ولد» می نامیدند. (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۷۶-۴۷۷)

۹-۲. بهره گیری از راهبردهای تبلیغی و روانی

یکی دیگر از شگردهای دیپلماسی عمومی پیامبر ﷺ بهره گیری از راهبردهای تبلیغی و روانی در راستای پیشبرد رسالت توحیدی خویش بوده است. یکی از این راهبردها وجوب مقطعی و مصلحتی خضاب و رنگ کردن محاسن برای تضعیف روحیه دشمن بود. در توضیح بیشتر باید افزود که از جمله مستحبات، خضاب کردن محاسن است، با این وصف، از روایاتی استفاده می شود که رسول الله ﷺ در برهه ای از زمان آن را واجب کرده است، از جمله اینکه از حضرت علی ؓ درباره فرمایش پیامبر اکرم ﷺ که فرموده است: «رنگ سفید موها را تغییر دهید و شبیه یهود نباشید.» پرسیده شد. آن حضرت ؓ فرمودند: «فرمان رسول خدا ﷺ هنگامی صادر شد که جمعیت مسلمان ها کم بود، ولی اکنون جمعیت و قدرت مسلمان ها زیاد است.» (سیدرضی، ۱۳۸۱: ۴۵۵) این روایت دلالت دارد که مصلحت حکم رسول خدا ﷺ بر وجوب خضاب عبارت است از: نشان دادن قدرت و توان و کثرت جمعیت مسلمانان و جلوگیری از سوء نیت دشمنان آنها. (رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۰۹ و ۱۱۷)

نتیجه‌گیری

دیپلماسی روشی برای حل و فصل مسائل مربوط به روابط خارجی دولت‌ها با گفتگو یا هر روش مسالمت‌آمیز دیگر است. از سویی، عبارت «دیپلماسی عمومی» در دهه ۱۹۶۰/۱۳۴۰ اغلب برای جنبه‌های جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد که تعامل میان بازیگران جدید عرصه بین‌المللی را در کنار دولت‌ها در برمی‌گرفت و به ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از راه ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی تعریف می‌گشت، که هدف از آنها، اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. تفاوت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی در غیر رسمی بودن، فراگیرتر بودن مخاطبان و تنوع ابزار و امکانات دیپلماسی عمومی است. افزون بر این، دیپلماسی عمومی دارای بدیل‌های مشابهی مانند دیپلماسی رسانه‌ای تبلیغات، عملیات روانی، قدرت و جنگ نرم، و دیپلماسی فرهنگی است.

باید اقرار کرد که پیامبر اعظم ﷺ از قرن‌ها پیش از مدعیان امروزی، از پایه‌گذاران و کاربران اصلی دیپلماسی عمومی بوده است. بدین ترتیب، رسالت آن حضرت ﷺ و نهضت عظیم و تمدن‌ساز نبوی حتی در عرصه روابط بین‌المللی و دیپلماسی نیز تحولات ایجابی بنیادین و سیره و سنن بدیعی را از خود بر جای گذاشت و مایه انتشار و گسترش اسلام در بسیاری از کشورها و ملل دور و نزدیک گردید.

از جمله نتایج تحقیق حاضر تأکید بر این نکته مهم بود که توحید، خداباوری و نگرش توحیدی محور نظام اسلامی نبوی و اصلی‌ترین مقصد آن است و اساس و تار و پود اهداف کلی و، در پی آن، مقاصد دیپلماسی عمومی ایشان را تشکیل می‌دهد. در حقیقت، توحید نفی شرک و کفر و بت‌پرستی‌ها و خودپرستی‌هاست و چنین مقصد عالی‌ای بیانگر غلبه و جهت فرهنگی و معنوی این اهداف، و برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها و جوامع بشری است. بدین ترتیب، هرگونه روابط در عرصه جهانی باید تابعی از ارزش‌های دینی باشد. اساس عالم بر تربیت انسان و ضرورت کسب صفات حق تعالی است. بدین سبب، می‌توان استنتاج کرد که ماهیت غالب و نوع

دیپلماسی، اسلامی و نبوی بیشتر و با اولویت فرهنگی است و، به اصطلاح و به زبان امروزی و تخصصی تر، به نحو آشکاری از نوع دیپلماسی عمومی است. چنین امری نشانگر آن است که در نظام اسلامی، اصلی ترین وظیفه و کارکرد دیپلماسی اصلاح توحیدی و فرهنگی مردم و تهذیب آنها در سطوح ملی و جهانی است؛ اصلاح نابسامانی های عرصه های ملی و جهانی، باید از فرهنگ شروع شود؛ فرهنگ دینی و غیردینی مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های ملل عالم است. این استدلال، توجیه لازم را در ترجیح دیپلماسی عمومی فراهم می سازد.

در این مقاله سعی شد، با روش توصیفی و تحلیل اسنادی، شواهدی اجمالی از ماهیت و وجوه دیپلماسی عمومی دولت نبوی ارائه گردد که برخی مصادیق آن بدین شرح اند: احیا و تبلیغ تفکر توحیدی و تربیت الهی جامعه و آحاد بشری، ارائه دعوتی جهان شمول و معطوف به تشکیل امت واحده، تأکید بر حوزه فرهنگ و اصلاح فرهنگی، صلح طلبی و مطالبه همزیستی مسالمت آمیز، اعزام مبلغان و نمایندگان، ارسال نامه یا پیام، دادن امان، انجام مذاکره بر اساس مجادله به نحو نیکو، کاربرد میانجی گری و تألیف قلوب و آزاد سازی بندگان (فک رقبه)، و بهره گیری از راهبردهای تبلیغی و روانی

نگارنده بر این باور است که توحید زیر بنای دیپلماسی عمومی نبوی بوده است و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با استفاده از این دیپلماسی، با نگرشی جهان وطنانه و اصلاح گرایانه و با هدف تحقق امت واحده، از راهبردهای تبلیغی و روانی مناسب و صلح جویانه و مسالمت آمیز، بهره گیری کرده، و بدین وسیله دعوتی فراگیر و جهانی و موفق را سامان داده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن هشام، عبدالملک (۱۳۴۸). سیره النبوی، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، ج ۲.

_____ (بی تا). سیره رسول الله، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحق بن محمد همدانی،

تهران.

- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۰۸). **سنن ابی داود**، بیروت، دارالجلیل، ج ۳.
- احمدی، حسین علی و سید مظاهر صالحی (۱۳۸۳). «اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار (۴)»، **درس‌هایی از مکتب اسلام**، ش ۵۲۷، ص ۵۷-۶۳.
- احمدی، علی بن حسینعلی (۱۳۷۹). **مکاتیب الرسول**، قم، المطبعة العلمية.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۰). **المدخل الی السنن الکبری**، ریاض، اضواء السلف، ج ۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). **سرچشمه اندیشه**، تنظیم عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۸). **وسائل الشیعة**، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۱۱.
- حسینی (زرفا)، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). **جهاد و حقوق بین الملل**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حمیدالله، محمد (۱۳۷۳). **حقوق روابط بین الملل در اسلام**، ترجمه و تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱.
- داداش‌زاده، منصور (۱۳۸۵). «بررسی نکات اساسی وفود در سیره نبوی»، **پژوهشی در در سیره نبوی (مجموعه مقالات)**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زیر نظر رسول جعفریان، تهران، امیرکبیر، زمستان، ص ۳۸۵-۴۲۱.
- درودرگر، محمدجواد (۱۳۸۵). «اصول اخلاقی در مدیریت نبوی»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، ش ۴۲، ص ۱۲۱-۱۴۷.
- رحمانی، محمد (۱۳۸۵). «مصلحت در حکومت نبوی (احکام حکومتی)»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، ش ۴۲، ص ۹۴-۱۲۰.
- الزحیلی، وهبة (۱۹۹۲). **آثار الحرب فی الفقه الاسلام**، دمشق، دارالفکر.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸). **تاریخ صدر اسلام "عصر نبوت"**، تهران، سمت.
- زهیری، علی رضا (۱۳۸۵). «کارویژه‌های دولت نبوی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۳۵، ص ۱۵۷-۱۷۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). **فروع ابدیت**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰). «اصول سیاست خارجی در قرآن»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۱۵، ص ۱۶۹ تا ۱۸۲.
- سرخسی، شمس‌الدین (۱۳۳۵). **شرح السیر الکبیر**، حیدرآباد دکن، بی‌نا، ج ۱ و ۴.
- سلطانی، اسمعیل (۱۳۸۸). «روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم: جنگ یا صلح؟»، **معرفت**، ش ۱۴۳، ص ۶۹-۹۴.
- سید آقایی، داود (۱۳۸۷). **آداب دیپلماسی و فنون مذاکره**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

سیدرضی، ابوالحسن محمدبن حسین (۱۳۸۱). **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه انتشارات حضور.

سیمبر، رضا و ارسلان قربانی، ارسلان (۱۳۸۷). **روابط بین الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی**، تهران، سمت.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱). **فقه سیاسی اسلام؛ اصول سیاست خارجی**، بی جا.

ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۶۷). **حقوق بین الملل عمومی**، تهران، رشديه.

طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۰). **تاریخ الرسل والملوک**، قاهره، دارالمعارف.

عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). **فقه سیاسی؛ حقوق بی الملل اسلام**، تهران، امیرکبیر.

_____ (۱۳۷۹). **فقه سیاسی؛ حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام**،

تهران، سمت.

کاتب واقدی، ابن سعد محمد (۱۳۷۴). **طبقات**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.

_____ (۱۴۱۰). **الطبقات الکبری**، بیروت، داربیروت و دار صادر، ج ۱.

گلستانی، غلام نبی (۱۳۸۶). «تاکتیک‌ها و روش‌های پیامبر ﷺ در ابلاغ رسالت»، **اندیشه حوزه**، ش ۶۶، ص ۵۷-۸۴.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۷). «تدوین و تحول علم «سیر حقوق بین المللی اسلامی»»، **تحقیقات حقوقی**، ش ۲۳-۲۴، ص ۱۹-۵۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، **مجموعه آثار**، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱۶.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۲). **فقه الدولة الاسلامی**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲.

میانجی، علی احمد (۱۳۶۳). **مکاتیب الرسول**، قم، یس.

میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۸۲). «جلوه‌هایی از حقوق دیپلماتیک در اسلام»، **معرفت**، ش ۷۰، ص ۸۹-۹۶.

نیک‌آیین، احسان الله (۱۳۸۸). «**دیپلماسی عمومی؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین الملل**»، **سیاست خارجی**، ش ۹۰، ص ۳۶۱-۳۹۴.

واعظی، محمود و موسوی، مسعود (۱۳۸۸). **دیپلماسی اقتصادی**، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.